

ماجرای کودکی که در بیمارستان ناپدید شد

گروه حوادث/ یکی از روزهای گرم تابستان سال ۱۳۷۰ زن جوانی نگران و مستأصل در حالی که دختر ۶ ساله‌اش را در آغوش گرفته بود وارد بیمارستانی در خیابان امیریه تهران شد. دخترک در تب می‌سوخت و صدای ناله‌هایش صبر و طاقت را از مادر گرفته بود. زن جوان گریه می‌کرد و بدن نحیف فرزندش را که از شدت تب دچار تشنج شده بود به سینه‌اش می‌فشارد. دخترک از چند روز قبل دچار تب و بیماری شده بود اما از آنجایی که پدرش از ماه‌ها قبل برای کار به کشور ژاپن رفته و او و مادرش را در این شهر بزرگ بدون پول و حامی رها کرده بود مادر به خاطر بی‌پولی نمی‌توانست بچه را برای درمان به دکتر برد اما وقتی دختر کوچولو تشنج کرد و بین مرگ و زندگی دست و پا می‌زد مادر به ناچار او را به بیمارستانی در محدوده منبریه تهران برد. زن جوان وقتی قدم به حیاط بیمارستان گذاشت باردیگر دچار تردید شد همانجا روی زمین نشست و شروع به گریستن کرد.

دقایقی بعد فردی که از داخل بیمارستان آمده بود با دیدن این مادر و کودک دلیل ناراحتی‌اش را پرسید. زن جوان گفت: دخترم چند روزی است که تب دارد و صبح امروز تشنج کرد مجبور شدم که او را به بیمارستان برسانم اما از آنجایی که تنها هستم و شوهرم در مسافرت است، نه کسی را دارم که از او پول بگیرم و نه به همسرم دسترسی دارم. حالا هم اینجا وامانده‌ام که چه کنم!

زن ناشناس که از دیدن وضعیت دختر کوچولو متأثر شده بود به مادر وی گفت: اگر دخترت را با اسم و مشخصات جعلی در بیمارستان بستری کنی پس از آنکه حالش خوب شد می‌توانی مخفیانه بدون اطلاع مسئولان بیمارستان و بدون تسویه حساب او را با خودت ببری. اینجوری نه دغدغه بستری کردن دخترت را داری و نه لازم است که هزینه‌ای پرداخت کنی.

زن جوان با شنیدن حرف‌های زن ناشناس به فکر فرو رفت. طاقت دیدن دخترش در آن وضع را نداشت در یک لحظه تصمیم گرفت نام واقعی دخترش را که ثریا بود مخفی کند و او را به نام شقایق نوری در یکی از اتاق‌های بیمارستان بستری کرد.

یک هفته از این ماجرا گذشت و درمان دخترک با موفقیت انجام و حال ثریا خوب شد. دیگر وقت آن رسیده بود که زن جوان دخترش را مخفیانه از بیمارستان خارج کند اما هرچه با خودش کنار رفت که این نقشه را عملی کند، نتوانست.

وجدان و آبرویش اجازه نمی‌داد به همین خاطر تصمیم گرفت هرطور شده هزینه بیمارستان را جور کند و ثریا را که نامش شقایق شده بود از بیمارستان ترخیص کند.

اما وقتی برای یافتن پول و تسویه حساب از بیمارستان بیرون می‌رفت تصورش را هم نمی‌کرد که این آخرین باری باشد که صورت زیبای دختر کوچولویی را می‌بوسد و با او وداع می‌کند. مادر دخترش را در آغوش گرفت و در گوشش آرام گفت: دخترم نگران نباش من می‌روم و چند ساعت دیگر با پول برمی‌گردم بعد با هم از اینجا به خانه می‌رویم.

ثریا با چشمانی نگران و با زبان کودکانه به مادرش گفت: مامان زود برگرد من تنهایی می‌ترسم.

زن جوان از بیمارستان خارج شد و روز بعد خوشحال از اینکه توانسته پول بیمارستان را از یک فرد نیکوکار قرض بگیرد به اتاق ثریا رفت اما با دیدن تخت خالی جا خورد. همه جا را گشت اما از دخترش خبری نبود. به سراغ پرستار بخش رفت او نشانی اتاق دیگری را داد. مادر سراسیمه به اتاق دیگر رفت اما بازهم از ثریا خبری نبود. اشک ناخودآگاه از چشمان زن جوان جاری شده بود او یک به یک اتاق‌های بیمارستان را برای یافتن تنها فرزندش جست و جو کرد اما انکار قرار نبود ثریا را پیدا کند.

یک ساعت بعد یکی از پرستاران بیمارستان به او گفت: پس از رفتن شما حال دخترتان بد شد و هرچقدر تلاش کردیم نتوانستیم او را نجات دهیم متأسفانه دخترتان فوت کرد. زن جوان با شنیدن این حرف ناگهان از هوش رفت.

حالا ۲۹ سال از آن روز تلخ گذشته و مادر ثریا هنوز چشم انتظار دخترش است. این زن در تماس با گروه جویندگان عاطفه روزنامه «ایران» می‌گوید: حرف‌های آن پرستار آب سردی بود که بر وجودم ریخت پس از آن به دنبال جسد دخترم رفتم که به من گفتند چون کسی همراهش نبود و نتوانستیم شما را پیدا کنیم به عنوان کودک بدون هویت او را دفن کردیم. حتی به بهشت زهرا رفتم اما او را پیدا نکردم.

در بیمارستان هم چند نفر از کادر درمانی وقتی متوجه قضیه تغییر نام کودک و نقشه‌ای که کشیده بودند شدند، من را ترسانند که اگر پلیس وارد ماجرا شود دستگیر و زندانی می‌شوم. حتی بعد از چند روز دلم را به دریا زدم و ماجرا را برای پلیس هم بازگو کردم اما نتیجه‌ای نگرفتم. دو ماه بعد همسرم از مسافرت برگشت، ماجرا را فصحید و بازهم ماه‌ها دنبال ردی از دخترمان بردیم اما هرچه بیشتر می‌گشتم بیشتر ناامید می‌شدم. کم‌کم باورمان شد او فوت کرده است.

وی در ادامه می‌افزاید: تا مدت‌ها فکر می‌کردیم ثریا فوت کرده تا اینکه یکی از آشنایان به ما گفت بچه‌های بالای ۴ سال را بدون هویت خاکسپاری نمی‌کنند. بلافاصله وکیل گرفتیم تا به هر شکل که شده دختر گمشده‌مان پیدا شود.

اما هر ۳ وکیلی که قرار بود کار ما را دنبال کنند پس از مدتی اعلام کردند که بایگانی بیمارستان مورد نظر بر اثر آتش‌سوزی از بین رفته و بیمارستان هم به‌خاطر تخلفاتی که انجام داده، سال‌هاست پلمب شده است.

حالا بعد از ۲۹ سال از رفتن ثریا هنوز چشم انتظار خبری از او هستم. با اینکه یک دختر ۲۵ ساله و یک پسر ۱۴ ساله دارم اما تا زمانی که نفس می‌کشم آرزوی دیدن دوباره ثریا را دارم. در این مدت به‌خاطر فشار روحی و روانی که تحمل کردم چندین بار شوک مغزی شده‌ام و بدون قرص اعصاب نمی‌توانم زندگی کنم. من برای پیدا کردن دختر کم شده‌ام دست از تلاش برنخواهم داشت. خوانندگان جویندگان عاطفه چنانچه از سرنوشت این دختر که حالا باید ۳۵ ساله باشد خبری دارند، می‌توانند با گروه حوادث روزنامه «ایران» تماس بگیرند.

جویندگان عاطفه



گروه حوادث/ مرد جوان که بر سرارثیه پدری با برادرش اختلاف پیدا کرده بود در حالی با شلیک ۵ گلوله به قتل رسید که برادر بزرگش به اتهام این جنایت بازداشت شده است.

پایان اختلاف ۲ برادر باشلیک ۵ گلوله

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۲۳ شامگاه چهارشنبه ۲۶ شهریور، مأموران کلانتری ۱۵۳ شهرک ولیعصر در تماس با بازپرس کشیک قتل پایتخت از مرگ پسر جوانی در یکی از بیمارستان‌های پایتخت خبر دادند. پسر جوان با شلیک ۵ گلوله مجروح و پس از انتقال به بیمارستان تسلیم مرگ شده بود. به‌دنبال گزارش این جنایت، به دستور بازپرس مصطفی واحدی تحقیقات آغاز شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که محل درگیری در شهرک ولیعصر بوده است.

در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

بدرین ترتیب تیم تحقیق راهی محل حادثه شدند. در نخستین گام، مأموران به تحقیقات میدانی پرداخته و شاهدان مدعی بودند که عامل این تیراندازی برادر بزرگ مقتول به نام بهنام بوده است.

■ **قتل در ناوایی**
در شاخه دیگری از تحقیقات، تیم جنایی به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه پرداختند.

دوربین‌ها نشان می‌داد که بهنام ۳۵ ساله با چند نفر از دوستانش مقابل

ادعای شاکی و متهم برسرانگشت ۵۰ میلیون تومانی

گروه حوادث/ مرد معتاد که با همدستی دو مأمور قلابی باند سرقت و اخاذی تشکیل داده بود در دادگاه مدعی شد به‌خاطر فقر و اعتیاد دست به سرقت زده است.

زیادی به من زد. سپس متهمان در جایگاه قرار گرفتند و دفاعیات خود را مطرح کردند. ساسان سردهشت باند گفت: من اتهام آدم ربایی را قبول ندارم. اما سرقت‌ها را انجام دادیم. اما به خاطر بدبختی و فقر و اعتیاد مجبور به این کار شدم. من دو بار ازدواج کردم همسر اولم به خاطر فقر و بی‌پولی طلاق گرفت از او یک پسر نوجوان دارم که با من زندگی می‌کند. بعد دوباره ازدواج کردم و از همسر دومم هم دو فرزند دارم که تأمین هزینه زندگی آنها خیلی سخت است. من به مواد نیز اعتیاد دارم و همه این بدبختی‌ها باعث شد تا به سرقت رو آورم. از کار خودم پشیمان هستم و درخواست بخشش دارم. ضمن اینکه رضایت همه شاکیان را گرفته‌ام. اما انگشتی که یکی از شاکیان مدعی است ۵۰ میلیون تومان بوده واقعا آنقدر ارزش نداشت من آن را به چند طلافروشی نشان دادم و با قیمت خیلی کمتری آن را فروختم. سپس دو متهم دیگر در جایگاه قرار گرفتند آنها هم اتهام آدم ربایی را رد و به خاطر سرقت‌هایی که انجام داده بودند هم درخواست بخشش کردند. در پایان جلسه دادگاه، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اواخر مردادماه سال جاری با شهادت یک مأمور پلیس توسط یک سارق سابقه دار شروع شد. در این عملیات ستوان یکم محسن حسینی به‌همراه گروهیان یکم حامد ضابط در تعقیب سارق سابقه دار بودند که سارق به قصد فرار از دست مأموران با خودراش گروهیان ضابط را به قتل رساند. اما در نهایت دستگیر شد.

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، شب حادثه گروهیان یکم ضابط به‌همراه ستوان یکم حسینی از سرکلانتری چهارم برای مقابله با

طرح مبارزه با مواد مخدر و برخورد

با سارقان و اراذل و اوباش در محله خاک‌سفید تهران با موتورسیکلت گشت‌زنی می‌کردند که در این میان گروهیان حامد ضابط با خودروی پراپدی مواجه شد که راننده آن یک سارق سابقه دار بود، بنابراین به او دستور توقف داد اما سارق تا متوجه مأموران شد اقدام به فرار کرد و عملیات تعقیب و گریز آغاز شد تا خودروی متهم را متوقف کنند تا اینکه سارق حرفه‌ای پشت چراغ قرمز گرفتار شد و او که همه راه‌ها را بسته دید ناگهان شروع به حرکت با دنده عقب کرد و از روی موتورسیکلت مأموران رد شد و گروهیان یکم ضابط و ستوان یکم حسینی زیر چرخ‌های این خودرو ماندند.

همکاران آنها که روی موتورسیکلت دیگری نشسته بودند، بلافاصله سد راه راننده تبهکار شدند و در نهایت این مأموریت با دستگیری مجرم به پایان رسید. ولی هردو مأمور دچار جراحت شدید شدند و با کمک نیروهای اورژانس هر دو آنها به بیمارستان تهرانپارس انتقال پیدا کردند که چند ساعت بعد کادر درمانی بیمارستان اعلام کرد که گروهیان ضابط فوت کرده است.

به این ترتیب مرد سارق این بار به اتهام قتل عمدی

مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: مدتی است به ماده مخدر شیشه اعتیاد دارم و با خودرو مسافرکشی می‌کنم. آن شب از ۳ مسافر را به شرق تهران آوردم. همانجا حشیش و شیشه کشیدم تا خوابم ببرد و بتوانم دوباره به آمل برگردم که دو موتورسیکلت گشت پلیس به من مشکوک شدند و دستور توقف دادند و چون مواد مصرف کرده بودم و وسایل مصرف مواد مخدر همراهم بود، ترسیدم و فرار کردم.

من ۶ سابقه کیفری به خاطر حمل و نگهداری مواد مخدر و سرقت دارم و بارها به زندان افتاده‌ام. چون دختر ۱۳ساله‌ای دارم که همه زندگی‌ام است، نمی‌خواستم دوباره به زندان بیفتم. من ناخواسته مأمور را زیر گرفتم و حالا هم پشیمانم و درخواست بخشش دارم.

در آخرین دفاعی که متهم در دادسرا انجام داد نیز بار دیگر قتل عمد را انکار کرد با این حال اولیای دم برای او درخواست قصاص کردند.

به این ترتیب کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم بزودی و به‌صورت ویژه محاکمه می‌شود.

مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: مدتی است به ماده مخدر شیشه اعتیاد دارم و با خودرو مسافرکشی می‌کنم. آن شب از ۳ مسافر را به شرق تهران آوردم. همانجا حشیش و شیشه کشیدم تا خوابم ببرد و بتوانم دوباره به آمل برگردم که دو موتورسیکلت گشت پلیس به من مشکوک شدند و دستور توقف دادند و چون مواد مصرف کرده بودم و وسایل مصرف مواد مخدر همراهم بود، ترسیدم و فرار کردم.

من ۶ سابقه کیفری به خاطر حمل و نگهداری مواد مخدر و سرقت دارم و بارها به زندان افتاده‌ام. چون دختر ۱۳ساله‌ای دارم که همه زندگی‌ام است، نمی‌خواستم دوباره به زندان بیفتم. من ناخواسته مأمور را زیر گرفتم و حالا هم پشیمانم و درخواست بخشش دارم.

در آخرین دفاعی که متهم در دادسرا انجام داد نیز بار دیگر قتل عمد را انکار کرد با این حال اولیای دم برای او درخواست قصاص کردند.

به این ترتیب کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم بزودی و به‌صورت ویژه محاکمه می‌شود.

مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: مدتی است به ماده مخدر شیشه اعتیاد دارم و با خودرو مسافرکشی می‌کنم. آن شب از ۳ مسافر را به شرق تهران آوردم. همانجا حشیش و شیشه کشیدم تا خوابم ببرد و بتوانم دوباره به آمل برگردم که دو موتورسیکلت گشت پلیس به من مشکوک شدند و دستور توقف دادند و چون مواد مصرف کرده بودم و وسایل مصرف مواد مخدر همراهم بود، ترسیدم و فرار کردم.

من ۶ سابقه کیفری به خاطر حمل و نگهداری مواد مخدر و سرقت دارم و بارها به زندان افتاده‌ام. چون دختر ۱۳ساله‌ای دارم که همه زندگی‌ام است، نمی‌خواستم دوباره به زندان بیفتم. من ناخواسته مأمور را زیر گرفتم و حالا هم پشیمانم و درخواست بخشش دارم.

در آخرین دفاعی که متهم در دادسرا انجام داد نیز بار دیگر قتل عمد را انکار کرد با این حال اولیای دم برای او درخواست قصاص کردند.

به این ترتیب کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم بزودی و به‌صورت ویژه محاکمه می‌شود.

مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: مدتی است به ماده مخدر شیشه اعتیاد دارم و با خودرو مسافرکشی می‌کنم. آن شب از ۳ مسافر را به شرق تهران آوردم. همانجا حشیش و شیشه کشیدم تا خوابم ببرد و بتوانم دوباره به آمل برگردم که دو موتورسیکلت گشت پلیس به من مشکوک شدند و دستور توقف دادند و چون مواد مصرف کرده بودم و وسایل مصرف مواد مخدر همراهم بود، ترسیدم و فرار کردم.

من ۶ سابقه کیفری به خاطر حمل و نگهداری مواد مخدر و سرقت دارم و بارها به زندان افتاده‌ام. چون دختر ۱۳ساله‌ای دارم که همه زندگی‌ام است، نمی‌خواستم دوباره به زندان بیفتم. من ناخواسته مأمور را زیر گرفتم و حالا هم پشیمانم و درخواست بخشش دارم.

در آخرین دفاعی که متهم در دادسرا انجام داد نیز بار دیگر قتل عمد را انکار کرد با این حال اولیای دم برای او درخواست قصاص کردند.

به این ترتیب کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم بزودی و به‌صورت ویژه محاکمه می‌شود.

مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: مدتی است به ماده مخدر شیشه اعتیاد دارم و با خودرو مسافرکشی می‌کنم. آن شب از ۳ مسافر را به شرق تهران آوردم. همانجا حشیش و شیشه کشیدم تا خوابم ببرد و بتوانم دوباره به آمل برگردم که دو موتورسیکلت گشت پلیس به من مشکوک شدند و دستور توقف دادند و چون مواد مصرف کرده بودم و وسایل مصرف مواد مخدر همراهم بود، ترسیدم و فرار کردم.

من ۶ سابقه کیفری به خاطر حمل و نگهداری مواد مخدر و سرقت دارم و بارها به زندان افتاده‌ام. چون دختر ۱۳ساله‌ای دارم که همه زندگی‌ام است، نمی‌خواستم دوباره به زندان بیفتم. من ناخواسته مأمور را زیر گرفتم و حالا هم پشیمانم و درخواست بخشش دارم.

در آخرین دفاعی که متهم در دادسرا انجام داد نیز بار دیگر قتل عمد را انکار کرد با این حال اولیای دم برای او درخواست قصاص کردند.

به این ترتیب کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم بزودی و به‌صورت ویژه محاکمه می‌شود.

مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: مدتی است به ماده مخدر شیشه اعتیاد دارم و با خودرو مسافرکشی می‌کنم. آن شب از ۳ مسافر را به شرق تهران آوردم. همانجا حشیش و شیشه کشیدم تا خوابم ببرد و بتوانم دوباره به آمل برگردم که دو موتورسیکلت گشت پلیس به من مشکوک شدند و دستور توقف دادند و چون مواد مصرف کرده بودم و وسایل مصرف مواد مخدر همراهم بود، ترسیدم و فرار کردم.

من ۶ سابقه کیفری به خاطر حمل و نگهداری مواد مخدر و سرقت دارم و بارها به زندان افتاده‌ام. چون دختر ۱۳ساله‌ای دارم که همه زندگی‌ام است، نمی‌خواستم دوباره به زندان بیفتم. من ناخواسته مأمور را زیر گرفتم و حالا هم پشیمانم و درخواست بخشش دارم.

قاتل مأمور پلیس در انتظار محاکمه

مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: مدتی است به ماده مخدر شیشه اعتیاد دارم و با خودرو مسافرکشی می‌کنم. آن شب از ۳ مسافر را به شرق تهران آوردم. همانجا حشیش و شیشه کشیدم تا خوابم ببرد و بتوانم دوباره به آمل برگردم که دو موتورسیکلت گشت پلیس به من مشکوک شدند و دستور توقف دادند و چون مواد مصرف کرده بودم و وسایل مصرف مواد مخدر همراهم بود، ترسیدم و فرار کردم.

من ۶ سابقه کیفری به خاطر حمل و نگهداری مواد مخدر و سرقت دارم و بارها به زندان افتاده‌ام. چون دختر ۱۳ساله‌ای دارم که همه زندگی‌ام است، نمی‌خواستم دوباره به زندان بیفتم. من ناخواسته مأمور را زیر گرفتم و حالا هم پشیمانم و درخواست بخشش دارم.

در آخرین دفاعی که متهم در دادسرا انجام داد نیز بار دیگر قتل عمد را انکار کرد با این حال اولیای دم برای او درخواست قصاص کردند.

به این ترتیب کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم بزودی و به‌صورت ویژه محاکمه می‌شود.

مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: مدتی است به ماده مخدر شیشه اعتیاد دارم و با خودرو مسافرکشی می‌کنم. آن شب از ۳ مسافر را به شرق تهران آوردم. همانجا حشیش و شیشه کشیدم تا خوابم ببرد و بتوانم دوباره به آمل برگردم که دو موتورسیکلت گشت پلیس به من مشکوک شدند و دستور توقف دادند و چون مواد مصرف کرده بودم و وسایل مصرف مواد مخدر همراهم بود، ترسیدم و فرار کردم.

من ۶ سابقه کیفری به خاطر حمل و نگهداری مواد مخدر و سرقت دارم و بارها به زندان افتاده‌ام. چون دختر ۱۳ساله‌ای دارم که همه زندگی‌ام است، نمی‌خواستم دوباره به زندان بیفتم. من ناخواسته مأمور را زیر گرفتم و حالا هم پشیمانم و درخواست بخشش دارم.

در آخرین دفاعی که متهم در دادسرا انجام داد نیز بار دیگر قتل عمد را انکار کرد با این حال اولیای دم برای او درخواست قصاص کردند.

به این ترتیب کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم بزودی و به‌صورت ویژه محاکمه می‌شود.

مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: مدتی است به ماده مخدر شیشه اعتیاد دارم و با خودرو مسافرکشی می‌کنم. آن شب از ۳ مسافر را به شرق تهران آوردم. همانجا حشیش و شیشه کشیدم تا خوابم ببرد و بتوانم دوباره به آمل برگردم که دو موتورسیکلت گشت پلیس به من مشکوک شدند و دستور توقف دادند و چون مواد مصرف کرده بودم و وسایل مصرف مواد مخدر همراهم بود، ترسیدم و فرار کردم.

من ۶ سابقه کیفری به خاطر حمل و نگهداری مواد مخدر و سرقت دارم و بارها به زندان افتاده‌ام. چون دختر ۱۳ساله‌ای دارم که همه زندگی‌ام است، نمی‌خواستم دوباره به زندان بیفتم. من ناخواسته مأمور را زیر گرفتم و حالا هم پشیمانم و درخواست بخشش دارم.

در آخرین دفاعی که متهم در دادسرا انجام داد نیز بار دیگر قتل عمد را انکار کرد با این حال اولیای دم برای او درخواست قصاص کردند.

به این ترتیب کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم بزودی و به‌صورت ویژه محاکمه می‌شود.

مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: مدتی است به ماده مخدر شیشه اعتیاد دارم و با خودرو مسافرکشی می‌کنم. آن شب از ۳ مسافر را به شرق تهران آوردم. همانجا حشیش و شیشه کشیدم تا خوابم ببرد و بتوانم دوباره به آمل برگردم که دو موتورسیکلت گشت پلیس به من مشکوک شدند و دستور توقف دادند و چون مواد مصرف کرده بودم و وسایل مصرف مواد مخدر همراهم بود، ترسیدم و فرار کردم.

من ۶ سابقه کیفری به خاطر حمل و نگهداری مواد مخدر و سرقت دارم و بارها به زندان افتاده‌ام. چون دختر ۱۳ساله‌ای دارم که همه زندگی‌ام است، نمی‌خواستم دوباره به زندان بیفتم. من ناخواسته مأمور را زیر گرفتم و حالا هم پشیمانم و درخواست بخشش دارم.

در آخرین دفاعی که متهم در دادسرا انجام داد نیز بار دیگر قتل عمد را انکار کرد با این حال اولیای دم برای او درخواست قصاص کردند.